

## گزارش کارگران مرغداری از شرایط کاری

گر چرخ به کام ما نگردد / کاری بکنیم تا نگردد

گوئیم به او: مطیع ما گردد / یا می گردد یا نگردد

گر گشت، خوش است، ورنه ما دست / از او نکشیم تا نگردد

نظام سرمایه‌داری نظامی است مبتنی بر تولید کالایی، کار مزدی و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید که در آن تولید نه برای تأمین نیاز جامعه بلکه فقط برای کسب سود شکل می‌گیرد. این کسب سود تنها از طریق استثمار کارگران انجام می‌پذیرد؛ کارگرانی که هیچ‌چیز جز نیروی کار خود برای فروش ندارند.

در شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری دو طبقه‌ای که در تضاد با یکدیگر شکل می‌گیرند، یعنی طبقه‌ی کارگر و طبقه‌ی سرمایه‌دار. سرمایه‌داری که ریشه‌ی آن در همین تضاد است (تضاد کار و سرمایه)، جامعه‌ای را شکل می‌دهد که در آن خالق ارزش اضافی، نیروی کار کارگران است اما مالکیت ابزار تولید در دست سرمایه‌داران باقی مانده است. این کارگران هستند که با استفاده از نیروی کار خود ارزش خلق می‌کنند و محصول کار و زحمات کارگران را سرمایه‌دار در قالب کالا تصاحب می‌کند. کارگران آن مقدار پولی را که به‌عنوان مزد می‌گیرند در قبال فروش نیروی کار خودشان است. یعنی زمانی که سرمایه‌دار نیروی کار کارگران را خریداری می‌کند، مزدی به کارگر می‌دهد که کارگر بتواند حداقل زندگی خودش را تأمین بکند تا فردا نیز توانایی انجام کار برای سرمایه‌دار را داشته باشد. بنابراین مزد کارگر نیز مانند سایر کالاها بر اساس مقدار کار لازم جهت بازتولید آن محاسبه می‌شود. کارگران در طول زمان کار، برای تولید

---

<sup>۱</sup> ابوالقاسم لاهوتی، چکامه‌ها، آزادگی.

ارزشی برابر با مزد خود، تعداد ساعات کمتری را صرف می‌کنند. به‌طور مثال اگر کار روزانه ۸ ساعت باشد، کارگران طی ۴ ساعت اول، ارزشی برابر با مزد خود را تولید می‌کنند (که این بخش از کار، کار لازم است) و ۴ ساعت باقی‌مانده را به صورت رایگان برای سرمایه‌دار کار می‌کنند (این قسمت نیز کار اضافی است). کار اضافی منشأ ارزش اضافی است که توسط سرمایه‌دار غصب می‌شود.

\*\*\*

کارگران برای تأمین وسائل ضروری معیشت خود و خانواده‌شان، ناگزیر از فروش نیروی کارشان به سرمایه‌داران هستند. بخشی از کارگران که در مرغداری‌ها مشغول به کار هستند، در شرایطی اسفناک به سر می‌برند. کارگران این بخش با وجود استثمار شدید، به دلیل تأمین معیشت خود مجبور به کار در شرایط سخت مرغداری هستند و در صورت عدم تن دادن به شرایط سخت کاری، با توجه به وجود ارتش ذخیره‌ی بیکاران، سرمایه‌داران به آسانی آن‌ها را از کار اخراج می‌کنند.

قبل از پرداختن به موضوع کارگران مرغداری لازم به ذکر است که امتیازاتی نظیر قانون کار، ۸ ساعت کار روزانه و ... که طبقه‌ی کارگر به دست آورده است، نتیجه‌ی لطف طبقه‌ی سرمایه‌دار یا دل‌سوزی آن‌ها نبوده است، بلکه این امتیازات نتیجه‌ی مبارزه‌ی طبقاتی در دوره‌های مختلف است که در مورد طبقه‌ی کارگر ایران، انقلاب ۵۷، تأثیری مهم در دستیابی به برخی از امتیازات طبقه‌ی کارگر دارد. هم‌چنین باید یادآور شد که هرگاه این امکان برای سرمایه‌داران وجود داشته باشد، امتیازات طبقه‌ی کارگر را از آنان پس می‌گیرد. با درک این موضوع به مسئله‌ی کارگران مرغداری می‌پردازیم.

ساعت کار در مرغداری تا پایان دوره دو ماهه، ۲۴ ساعته است یعنی کارگران تمام ۲۴ ساعت باید درگیر کار باشد و در سالن مرغداری حضور فعال داشته باشد. این مطلب در ادامه با شرح موضوع، معلوم خواهد شد. کارگران مرغداری باید به‌طور نوبتی و شیفتی در سالن حضور داشته و مشغول کار باشند. کار سالن شامل کنترل وضعیت خوراک، روشنایی، تنظیم هواکش‌ها، دمای داخل سالن و ... است. در بیشتر مرغداری‌ها، تعداد کارگران ۲ نفر و در برخی دیگر ۳ نفر است. مرغداری‌های با کارگر ۳ نفره شیفت‌های ۸ ساعته یا ۴ ساعته دارند و در مرغداری‌های ۲ نفره هم، ۴ شیفت ۶ ساعته دارند.

نحوه‌ی شکل سالن‌های مرغداری به این ترتیب است که در یک سالن ۱۰ هزار قطعه‌ای، یک قسمت که به آن سر سالن یا راهرو می‌گویند، وجود دارد که سالن بزرگ را به دو قسمت تقسیم می‌کند. در چنین حالتی برای هر دو بخش سالن، یک کارگر تمامی کارهای لازم را در شیفت خود انجام می‌دهد. در مرغداری‌های ۲۰ هزار قطعه‌ای نیز به همین ترتیب دو سالن به ۴ بخش تقسیم می‌شوند. باز هم یک کارگر کار تمام سالن را انجام می‌دهد.

کارگر هر شیفت مشغول به کار در سالن است و همکاری‌های دیگر او مشغول درست کردن غذا و تمیزکاری محل استراحت خود هستند. در نتیجه کارگری هم که در شیفت خود مشغول به کار نیست، فرصت استراحت زیادی ندارد. اما مسئله مهم دیگری که حائز اهمیت است، مرغ‌دار برای تولید دانه و خوراک مرغ‌ها باید کسی را استخدام کرده تا دانه‌ها را آسیاب کند، اما مرغ‌دار این کار را انجام نمی‌دهد چون استخدام کارگری دیگر برای مرغ‌دار هزینه‌بردار است. این هزینه‌ها شامل بیمه‌ی کارگران، تهیه‌ی مکان خواب و خوراک آنان، رفت و آمد و مزد و سایر هزینه‌های مربوط به استخدام یک کارگر جدید است. بنابراین منطق سرمایه که در پی کسب سود حداکثری است چنین حکم می‌کند که تا جایی که امکان دارد از تعداد کارگران بکاهد و در عوض به تعداد ساعات کاری آنان بیافزاید.

مطابق ماده‌ی ۵۱ قانون کار، ساعت کاری کارگر مرغداری نباید بیش‌تر از ۸ ساعت در روز و بیش‌تر از ۴۴ ساعت در هفته و ۱۹۰ ساعت در ماه بیش‌تر باشد. ولی این کارگران علاوه بر آن که تعطیلی هفتگی و مرخصی ندارند، بلکه حتی در تمام ساعات شبانه‌روز درگیر کار هستند.

ساعات کاری بیش از حد معین در قانون کار، باید به‌عنوان اضافه‌کاری محاسبه شود و این در حالی است که مرغ‌دار نمی‌تواند اجباراً کارگر را وادار به اضافه‌کاری کند و برای اضافه‌کاری، نیاز به توافق کارگر دارد در حالی که هیچ‌کدام از این موارد قانون کار رعایت نمی‌شود. قانون اضافه‌کاری نیز به این شکل است که به ازای یک ساعت اضافه‌کاری باید مبلغ ۴۰ درصد مزد یک ساعت به مزد کارگر اضافه گردد یعنی مثلاً اگر برای یک ساعت کار در طول روز ۴۰ هزار تومان مزد دریافت می‌کند، باید به ازای هر ساعت اضافه‌کاری ۵۶ هزار تومان دریافت کند.

کار روز در فاصله‌ی ساعت ۶ صبح تا ساعت ۲۲ است و شب‌کاری نیز ساعت ۲۲ تا ۶ صبح است. کارفرما نمی‌تواند کارگر را وادار به شب‌کاری کند. مزد کارگر شب‌کار نیز به این صورت است: به ازای هر ساعت، ۳۵ درصد مزد روزانه.

بنابراین مرغدار با سوءاستفاده از کارگران و استثمار آنان، آسیاب کردن دانه‌ها را به عهده‌ی خود کارگران مرغداری گذاشته است. با این وجود کارگران به غیر از کار داخل سالن و کارهای مربوط به محل استراحت خود، ناچاراً باید خالی کردن دانه‌ها و آسیاب کردن‌شان را انجام دهند.

همان‌طور که گفته شد، قانون کار، نتیجه‌ی مبارزات طبقه‌ی کارگر است ولی حتی اگر تمام مفاد قانون کار نیز اجرا شود باز هم بنیان‌های اصلی سرمایه‌داری یعنی کار مزدی و مالکیت خصوصی از بین نمی‌رود، اما سرمایه‌داران همواره از اجرای همین قانون کار نیز سر باز می‌زنند.

باتوجه به مکان مرغداری‌ها که بیشتر در فضای دور از شهر و در حاشیه‌ی روستاها ساخته شده‌اند، در نتیجه اکثر کارگران مرغداری اهل روستایی هستند که مرغداری در آن‌جا ساخته شده یا نزدیک به آن است. کارگران روستایی بیش‌ترشان فصلی کار می‌کنند، در نتیجه این امتیاز خوبی برای صاحبان مرغداری است تا بتوانند از دست بیمه کردن کارگران سر باز بزنند. البته سرمایه‌داران همواره به دنبال کاستن از مزد کارگران هستند و به همین دلیل برای تأمین نیروی کار، اغلب کارگرانی با قرارداد موقت استخدام می‌کنند تا در خصوص بیمه و سایر امتیازات طبقه‌ی کارگر در صورت امکان، شانه خالی کنند. به‌عنوان مثال طبق قانون کار در خصوص بیمه‌ی کارگران، کارگر به محض استخدام باید بیمه داشته باشد، اما مرغداران همواره با ترفندهایی بیمه‌ی کارگران را به‌طور ناقص رد می‌کنند و یا در خصوص بیش‌تر کارگران، کلاً هیچ بیمه‌ای رد نمی‌کنند. طبق ماده‌ی ۷ قانون کار، تمامی کارگرانی که بیش‌تر از یک ماه استخدام می‌شوند، باید دارای قرارداد کاری مکتوب باشند و از محتوای آن مطلع باشند، اما چنین قراردادی وجود ندارد. مرغدار هرگاه دلش بخواهد کارگران را از کار اخراج می‌کند.

در این‌جا نیز لازم به ذکر است که علاوه بر عدم آگاهی کارگران در خصوص مفاد قانون کار، بیش‌تر اوقات به دلیل ضرورت‌های تأمین معیشت، حتی با وجود آگاهی از حق بیمه نیز، کارگران بدون بیمه وادار به کار کردن می‌شوند. در مواردی نیز که بازرسان اداره‌ی کار و حتی دام‌پزشکان و کارمندان اداره‌ی بهداشت نیز برای بررسی وضعیت بیمه‌ی کارگران و شرایط محیط کار و سلامتی مرغ‌ها به مرغداری‌ها سر می‌زنند، با توجه به ماهیت نهادهایی مانند اداره‌ی کار و بندوبست مرغداران با بازرسان، در سرکشی‌ها اغلب گزارشی از تخلفات مرغدار ثبت نمی‌شود.

هر مرغداری بنا به ظرفیت آن مرغداری، تعداد کارگرانش فرق می‌کند. مرغداری‌ها معمولاً یک نفر ماهر و وارد به کار خدماتی و چرخاندن مرغداری را لازم دارد و دو نفر دیگر هم برای کمک به نفر اولی نیاز دارد. مرغدار فقط کارگر ماهر مرغداری را حاضر است بیمه کند، بنابراین کارگران دیگر را برای دوره‌ی دو یا سه ماهه استخدام می‌کند و با هدف عدم پرداخت حق بیمه، آن‌ها را اخراج کرده تا با این روش هم کارگر کار را برای مرغدار انجام داده و هم مرغدار از دادن حق بیمه به آن‌ها سر باز زده و سود بیشتری به دست بیاورد.

مرغدارها هزینه‌ی مایحتاج و غذای کارگران را نمی‌پردازد بنابراین کارگران مرغداری ناچاراً باید خود برای تهیه‌ی غذا اقدام کرده و با خستگی زیاد کار سالن، به پخت و پز نیز مشغول شوند. کل هزینه‌ی مواد اولیه‌ی تهیه‌ی غذا از جمله قند، برنج، روغن و ... باید از جیب خود کارگران هزینه شود؛ بنابراین کارگران باید بخشی از درآمدی را که به صورت ماهیانه دریافت می‌کنند، صرف هزینه‌های غذایی خود کنند؛ هزینه‌هایی که صاحب مرغداری موظف است پرداخت کند اما این هزینه‌ها را بر خود کارگران تحمیل می‌کند. این در حالی است که مرغدار علاوه بر وظیفه‌ی تهیه‌ی غذا، باید به تجهیز آشپزخانه و وسائل مورد نیاز برای خانواده‌ی کارگر بپردازد، اما منطبق سرمایه‌ی ایجاب می‌کند که از آن سر باز بزنند، همان منطقی که انباشت و سود بیش‌تر تنها خواسته‌اش است.

در بعضی از مرغداری‌ها، اکثراً خانواده و کسانی را که متأهل هستند استخدام می‌کنند. استخدام خانواده از همه لحاظ به نفع صاحب مرغداری است. مرغدار اگر کارگر مجرد استخدام کند ناچاراً باید تعداد کارگران را افزایش داده تا هم بتوانند کار سالن را انجام بدهند و فارغ از کار سالن هم باید به فکر درست کردن غذا و شستن لباس و تمیز کردن منزل هم باشند، اما موقعی که خانواده استخدام می‌کند، عملاً کارهای خانه از غذا درست کردن و تمیز کاری و ... همگی بر دوش همسر کارگر افتاده و زن خانه‌دار هم بابت این کارهایی که انجام می‌دهد هیچ‌مزدی دریافت نمی‌کند.

پس در صورت استخدام کارگران مجرد صاحب مرغداری مجبوراً باید مبلغی اضافی بابت کارگر اضافی هزینه کرده اما موقعی که برای کار سالن و مرغداری خانواده استخدام می‌کند، کار را به دو خانواده داده که به صورت دو شیفت ۱۲ ساعته تقسیم می‌شود، با این کار صاحب مرغداری پولی را که باید به کارگر اضافی می‌داد اکنون به زن خانه‌دار نمی‌دهد و با این کار هزینه‌ی یک کارگر برای صاحب مرغداری کم می‌شود و ارزش اضافی بیش‌تری برای مرغدار باقی خواهد

ماند. با این وجود، مرغداران کارگران دارای فرزند در سن مدرسه را استخدام نمی‌کنند چون در این صورت باید هزینه‌ی ایاب و ذهاب فرزندان کارگران به مدرسه و سایر هزینه‌ها را تقبل کنند.

محیط مرغداری به نسبت سایر کارگاه‌ها یا کارخانجات دیگر شرایطی خاص و محیطی آلوده از نظر بو و مواد شیمیایی دارد. از آن‌جا که مرغداری نیاز به فضایی کاملاً سالم و بهداشتی دارد، پس باید از ویروسی شدن محیط جلوگیری کرد و این کار هم نیاز به مراقبت از طریق سم‌پاشی و ویروس‌کشی سالن‌ها دارد. استرلیزه کردن فضای مرغداری و سالن‌ها به مواد شیمیایی، که اکثراً آسیب‌زا هستند، نیاز دارد. کارگران مرغداری باید قبل از جوجه‌کشی در هر دوره، تمام سالن مرغداری را شسته و با مواد شیمیایی (فرمالین) و چندین مواد دیگر همه‌ی سالن را سم‌پاشی و گازگذاری کرده تا سالن ویروس‌کشی شده و آماده‌ی جوجه‌ریزی شود؛ از آن‌جا که کلیه‌ی این مواد، شیمیایی هستند و نیاز به پوشش‌هایی نظیر ماسک، دستکش، عینک و لباس مخصوص دارد، مرغدار برای کاهش هزینه‌ها و کسب سود بیشتر، اغلب این وسایل را در اختیار کارگر قرار نمی‌دهد؛ وسایلی که کارگران باید داشته باشند تا متحمل زیان جسمی نشوند. تنها وسیله‌ی به اصطلاح بهداشتی-ایمنی که کارگران مرغداری دارند یک عدد ماسک است که آن هم اغلب چندین دوره مورد استفاده بوده و اصلاً تعویض نشده و کارگران همگی مجبورند از همین ماسک به‌عنوان مشترک استفاده کنند.

این فقط کارهای مربوط به داخل سالن مرغداری است که طی یک دوره لازم است تمامی این کارها انجام شود اما در خصوص کل محیط مرغداری، موقعی که ماشین برای آوردن خوارک طیور می‌آید باید ماشین نیز سم‌پاشی شود تا محیط مرغداری ویروسی نشود. با وجود این شرایط، باز هم مرغداری تلفاتی دارد و ویروس‌های ناشی از این تلفات نباید به مرغ‌های دیگر منتقل شود و باید زود دفن شوند و اکثراً در خود محیط مرغداری چاله‌ای حفر کرده و باید تلفات را در آن‌جا دفن کرده و بسوزانند و این کار هم برای کارگران با توجه به بوی بدی که دارد، سلامت کارگران و خانواده‌ی آنان را به خطر می‌اندازد. مرغداری به وسیله‌ی هواکش‌های صنعتی، بوی داخل سالن را به محیط مرغداری منتقل می‌کند یعنی محیطی که شامل محل زندگی کارگران هم می‌شود، این یعنی کارگران و خانواده‌شان چه در سالن باشند یا نباشند، همیشه در معرض این آلودگی و بوی بد قرار گرفته و عوارضی هم برای ریه و مجاری تنفسی کارگران به دنبال دارد.

در مرغداری یک سری از وظایف وجود دارد که نه ربطی به کارگران مرغداری دارد و نه شامل وظایف آن‌ها می‌شود. آوردن خوراک طیور، ذرت و ... در هر دوره‌ی مرغداری از خالی کردن تا آسیاب کردن آن بر دوش کارگران مرغداری

است. کارگران این وظایف را انجام می دهند در حالی که هیچ اضافه کاری ای به آن‌ها تعلق نمی گیرد. صاحب مرغداری هر باره برای تخلیه و آسیاب خوارکی که برای مرغداری می آورد می بایست کارگری استخدام می کرد تا بار را خالی کرده و آسیاب کند اما مرغدار برای ندادن حق بیمه و حقوق به کارگری دیگر این وظایف را بر عهده ی کارگران مرغداری می گذارد و با این کار نه حقوقی می دهد و نه حق بیمه ای می پردازد. کارگرانی که جدای از کار داخل سالن باید خسته و کوفته و بدون دریافت حتی یک ریال هم باید این خوراک را تخلیه و آسیاب کنند. هم چنین موقع فروش و بارگیری مرغ‌ها و تخلیه ی سالن صاحب مرغداری باید برای بارگیری مرغ‌ها کارگر بیاورد تا مرغ‌ها را بار بزنند اما در این جا هم صاحب مرغداری باز هم کارگران را مجبور می کند تا به همراه چند کارگر دیگر مرغ‌ها را بار بزنند و در این حالت هم صاحب مرغداری مزدی بابت بار زدن مرغ‌ها به کارگران مرغداری نمی دهد. در نتیجه این جا هم سود بیشتری به جیب می زند.

از آن جا که مرغداری به خاطر ویروسی نشدن محیط و سالم ماندن از هر نوع ویروسی باید در امان باشد، جدای از سم پاشی و یک سری مراعات بهداشتی، باید رفت و آمد افراد هم کنترل شود. در هر دوره ی مرغداری بین ۱۵ الی ۲۰ روز کارگران مرغداری باید در قرنطینه به سر ببرند و در این مدت به هیچ وجه نباید از محیط خارج شوند مگر در مواقع ضروری، آن هم برای چند ساعتی. دلیل این کار هم آلوده نشدن سالن هاست. این شرایط به نوعی در تنگنا قرار دادن کارگران است، کارگرانی که با وجود خستگی زیاد داخل سالن باید در مرغداری بمانند. سرمایه داری حتی به زمان فراغت کارگران نیز رسوخ می کند و زمان تفریح و استراحت کارگران را از آنان گرفته است. کارگران تا زمانی که زنده اند باید به خلق ارزش اضافی برای سرمایه دار مشغول باشند. اگر دیگر توان این کار را نداشتند، یکی دیگر از هم طبقه ای هایشان جایگزین آن‌ها می شود.

بین مرغداری‌ها همیشه مجموعه ای از هماهنگی های ضروری وجود دارد؛ هماهنگی هایی که لازمه ی پیشگیری از ضرر و زیان هایی است که مرغدارها باید تا حد امکان از آن‌ها جلوگیری کنند. مرغدار کارش پرورش مرغ و عرضه ی آن به بازار برای کسب سود است. با توجه به تراکم زیاد مرغداری‌ها در یک منطقه، نباید در یک وقت مشخص، تمامی مرغداری‌ها به بازار مرغ هایشان را عرضه کنند، چون با این کار، فروش مرغ در بازار به خاطر عرضه ی زیاد با مشکل کاهش قیمت مواجه شده و مرغدار ناگزیر است که مدت بیشتری مرغ‌ها را نگه دارد و این زمان بیش تر نیاز به صرف هزینه های بیشتری است. مرغدارها هم برای جلوگیری از این وضعیت، با همدیگر هماهنگی های لازم را انجام می دهند.

به این صورت که هر مرغداری باید به شکل دوره‌ای و هر کدام در یک تاریخ مشخص و جدا از دیگر مرغداری‌ها مرغ را به بازار عرضه می‌کنند. در نتیجه، با این کار مرغ به اندازه‌ی آنچه که نیاز است عرضه می‌شود و مرغ‌دارها هم متحمل ضرر کاهش قیمت نمی‌شوند. مرغ‌دارها به خاطر سود خود و جلوگیری از ضرر، این هماهنگی‌ها را انجام می‌دهند اما هیچ وقت درباره‌ی وضعیت کارگران مرغداری این‌گونه نبوده است. مثلاً در مورد تخلیه و آسیاب کردن خوارک طیور مرغ‌ها، مرغ‌دارها می‌توانند هماهنگی لازم را انجام داده و کارگری را برای تخلیه و آسیاب دانه‌ی مرغ‌ها بیاورند اما این کار را هیچ‌کس انجام نداده، بلکه کار را بر دوش خود کارگران مرغداری گذاشته و با دوجندان کردن فشار کاری بر کارگران، هم سود بیشتری نصیب‌شان می‌شود و هم کار مرغداری پیش می‌رود.

سرمایه‌داران با هدف اخذ ارزش اضافی با وجود اختلافاتی که با یکدیگر دارند، متحد و هم‌پیمان یکدیگرند. سرمایه‌داران به‌عنوان یک طبقه، دشمن طبقه‌ی کارگر هستند. پس همان‌گونه که آن‌ها در مواجهه با طبقه‌ی کارگر یک‌دست و متحد می‌شوند، کارگران نیز نیاز به اتحاد و همبستگی دارند تا روابط مزدی مبتنی بر استثمار را سرنگون سازند.

بنابراین کارگران هزاران دلیل برای اتحاد با یکدیگر دارند اما حتی یک دلیل برای اتحاد با بورژوازی ندارند. طبقه‌ی کارگر چگونه می‌تواند با طبقه‌ای که او را استثمار می‌کند هماهنگ و متحد باشد؟ طبقه‌ی کارگر که تمام ثروت‌های جهان کنونی را با خون و جان خود خلق کرده و خود از آن بی‌بهره است، چگونه می‌تواند با دشمن طبقاتی خود که حاصل کارش را به تاراج می‌برد، هم‌سو شود؟ همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد قانون کار، ۸ ساعت روزانه کار، بیمه و سایر امتیازات طبقه‌ی کارگر، نه از سر لطف بورژوازی، بلکه محصول مبارزه‌ی طبقاتی است و هرگاه بورژوازی توان داشته باشد، کل این امتیازات را پس می‌گیرد. پس طبقه‌ی کارگر هم‌زمان با مبارزات روزمره و اقتصادی خود، برای بهبود معیشتش باید با سیاست کارگری و طبقاتی علیه کلیت نظام سرمایه‌داری برزمد و مبارزات روزمره را نیز در همین مسیر قرار دهد. و در این میان، مهم درک این موضوع مهم است که هر چه کارگران مبارزه‌ی خود را با سرمایه‌داران، متحدتر و منسجم‌تر و متشکل‌تر پیش ببرند در این مسیر پیروزتر خواهند بود.